



معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی واحد لرستان
دومین دوره همایش ملی
بررسی سیر تحول ادبیات بومی در لرستان

محور:

نقش ادبیات بومی لرستان در غنای فرهنگ ایران

عنوان:

اقتباس آیین لری چمر لرستان در سایر استان های ایران

محقق و نویسنده:

میکائیل رسولزاده

کارشناسی ارشد مدیریت توسعه اجتماعی

(دبیر و مدرس مراکز تربیت معلم استان آذربایجان شرقی)

ایمیل: Mrasoul1353@yahoo.com

شماره های تماس: همراه: 09144235953 ثابت: 04232222733

نشانی: آذربایجان شرقی - میانه - خیابان بانک ملی کوچه مرتضوی پلاک 19

چکیده

اصلی ترین عامل شکل گیری آیین ها و اسطوره (حضور دین و آیین) در لرستان به روشنی مشهود است، زندگی شبانی و کوچ نشینی - که تا سده ی قبل رایج ترین اسلوب زندگی در این سرزمین بوده است - تقابل با بلایا و مصائب طبیعی و انسانی، حضور و بقای آیین های باستانی و... از دیگر دلایل آیین پروری و اسطوره پردازی در لرستان است.

این آیین های در مرزهای مصنوعی و سیاسی لرستان باقی نمانده و چونان نسیم روحبخش و روان افزا سایر ولایات را در نور دیده و بیشتر ولایات هم جوارش را پوشش داده است .

آیین سنتی (لری چمر) در سرزمین ایلام که از همسایگان لر خویش به عاریت گرفته و به آن رنگ و بوی محلی داده اند یکی از این رسوم محلی است که عقیده بر آن است که ابتدا از لرستان وارد ایلام شده و رنگ و بوی محلی (کردی) گرفته است اجرای مراسم آیینی (چمر) در بین جامعه عشایری غرب کشور از ریشه های اعتقادی و برخاسته از متن مفاهیم ارزشی این قوم مایه می گیرد که برای تکریم و تجلیل نمودن از فقدان شخصیتها، انسانهای مصلح و خدا جو ، دلاور و شجاع ، متهور و مورد احترام اقشار مردم بر پا می شود.

کلمات کلیدی

ادبیات بومی، لری چمر، ریشه ها ، رفتارها، چمرگاه ، لرستان، ایلام

مقدمه

فرهنگ و ادبیات بومی ما بزرگترین گنجینه ارزشمندی است که از نیاکان ما به جا مانده و در این بین ادبیات بومی لرستان در زمره ی این گنجینه فرهنگی قرار دارد.

مردم لرستان اغلب دارای ذوق ادبی، طبع و قریحه ادبی می باشند با در نظر گرفتن جمیع جهات و همه شرایط خواننده ولو غیر بومی و از سایر اقوام و قومیت ها باشد از خواندن آثار ادبی آنها سرمست و مسحور فصاحت و بلاغت آنها می شود.

لرستان سرزمینی است کهن که سابقه ی سکونت بشر در آن به چهل هزار سال قبل باز می گردد. غارهای باستانی فراوان، نقاشی ها و حجاری های ماقبل تاریخ، ادوات مفرغین، پرستشگاه های کهن، پل ها، کتیبه ها و ... اثبات این مدعاست. نگاهی به نقاشی ها، حجاری ها و ادوات مفرغین مکشوفه از لرستان نشان می دهد در این سرزمین از قرن ها قبل مراسمات و آیین های مذهبی به باشکوهترین وجه ممکن وجود داشته است. لذا اصلی ترین عامل شکل گیری آیین ها و اسطوره (حضور دین و آیین) در لرستان به روشنی مشهود است، زندگی شبانی و کوچ نشینی - که تا سده ی قبل رایج ترین اسلوب زندگی در این سرزمین بوده است - تقابل با بلایا و مصائب طبیعی و انسانی، حضور و بقای آیین های باستانی و... از دیگر دلایل آیین پروری و اسطوره پردازی در لرستان است.

این آیین های در مرزهای مصنوعی و سیاسی لرستان باقی نمانده و چونان نسیم روحبخش و روان افزا سایر ولایات را در نوردیده و بیشتر ولایات هم جوارش را پوشش داده است

سرزمین ایلام با حوزه سیاسی فعلی به واسطه همجواری با استانهای همچون کرمانشاه، لرستان و خوزستان تنوعی از نژادها و گویشهای ایرانی را در خود جای داده است مردمانی که در این دیار می زیسته اند به مانند سایر مناطق همجوار دارای فرهنگی قوی و آیینهای سنتی خاص خود بوده که گاهی از همسایگان خویش به عاریت گرفته و به آن رنگ و بوی محلی داده اند آیین سنتی (چمر) یکی از این رسوم محلی است که عده ای را عقیده بر آن است که ابتدا از لرستان وارد ایلام شده و رنگ و بوی محلی (کردی) گرفته است اجرای مراسم آیینی (چمر) در بین جامعه عشایری غرب کشور از ریشه های اعتقادی و برخاسته از متن مفاهیم ارزشی این قوم مایه می گیرد که برای تکریم و تجلیل نمودن از فقدان شخصیتها، انسانهای مصلح و خدا جو، دلاور و شجاع، متهور و مورد احترام اقشار مردم بر پا می شود. ایلام سرزمین زاگرس نشین با بیش از ۱۰ هزار سال قدمت و مملو از پتانسیل های سنتی در غرب نقشه ایران جای گرفته است. مردم این دیار ده هزار ساله پس از گذشت سالیان سال هنوز جذب مدرنیته نشده اند، به همین خاطر است که همچنان جشن ها، عادات و رسم های اجتماعی و سنتی در این استان به قوت خود پا برجا است. ایلام نشینان همچنان برای این مراسم و آئین های بومی سرزمینشان ارزش خاصی قائل هستند، "چمر" مراسم ویژه سنتی و نمایش تصویری و عینی از آئین مرثیه ای و عزاداری محلی در این استان است.

اکنون فرصتی فراهم شده تا به عنوان یک خادم توسعه اجتماعی و فرهنگی در راستای ماموریت تعریف شده خودم در نشان دادن ارتباط عرضی جوامع و تمدن ها به معرفی یک آیین بومی که در گستره تقریبا

ملی نمود پیدا کرده است پردازم در این مقاله به ریشه ها ، رفتارها در لری چمر پرداخته و ضمن تشریح چمرگاه به نتیجه گیری و پیشنهاد در این ارتباط می پردازیم.

ریشه ها

در لغت نامه های مختلف در برابر واژه چمر تعبیر و معانی گوناگونی بیان گردیده که مجموعاً معانی مشترک و مشابهی را شامل می شود در فرهنگ مردوخ چمر به معنای دایره و حلقه و (چه مه ری) را دهل عزا ذکر نموده است در لغت نامه دهخدا چمر به معنی آشکار و ظاهر و در فرهنگ عمید به معنای محیط و دایره و هر چیز دایره مانند ذکر شده است بطور کلی واژه چمر می تواند از کلماتی مانند (چه مه ره) یعنی (چشم به راه) و منتظر کسی یا مسافری بودن و یا (چم و چمانن) به معنای خم و خم شدن (کنایه از پشت از غم دولا شدن) گرفته شده باشد.

چمر نوعی مراسم ویژه سنتی و نمایش تصویری و عینی از آیین مرثیه ای و عزاداری محلی است که می توان آن را در قلمرو تعزیه به شمار آورد این سوگ-آواز پیشینه ای کهن دارد ، با اساطیر آغاز دوره نوسنگی ارتباط می یابد که در ایران ، فینیقیه و اسکندریه این مراسم را بعد از برداشت گندم یعنی زمان خشکیدن گیاهان انجام می دادند.

مراسم چمر را به فاصله یک تا سه هفته بعد از مرگ متوفی انجام می دهند و سبب این تاخیر آن است که صاحب عزا پیک هایی را به مناطق و اطراف می فرستد تا از طوایف و تیره های که با آنان ارتباط دارند برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورند، برای انجام مراسم چمر احتیاج به انجام یک سری کارهای مقدماتی است که مهمترین آنها عبارتند از:

این سوگ-آواز پیشینه ای کهن دارد، با اساطیر آغاز دوره نوسنگی ارتباط می یابد که در ایران، فینیقیه و اسکندریه این مراسم را بعد از برداشت گندم یعنی زمان خشکیدن گیاهان انجام می دادند. در لغت نامه های مختلف در برابر واژه چمر تعبیر و معانی گوناگونی بیان شده که مجموعاً معانی مشترک و مشابهی را شامل می شود. در فرهنگ مردوخ چمر به معنای دایره و حلقه و (چه مه ری) را دهل عزا ذکر کرده است. در لغت نامه دهخدا چمر به معنی آشکار و ظاهر و در فرهنگ عمید به معنای محیط و دایره و هر چیز دایره مانند ذکر شده است، به طور کلی واژه چمر می تواند از کلماتی مانند (چه مه ره) یعنی (چشم به راه) و منتظر کسی یا مسافری بودن و یا (چم و چمانن) به معنای خم و خم شدن (کنایه از پشت از غم دولا شدن) گرفته شده باشد. (فرخی و کیایی، 1388)

رفتارها

در مراحل اجرایی چمر از مجموعه ای از گروه های مختلف تشکیل می شود که شامل گروه صف زنان، صف مردان، زنان مویه خوان، نوازندگان ساز و دهل و گروه شاعران محلی یا به ایشها (بهتر گوها یا رو کرها) است که هر کدام به طور منظم و در جایگاه مخصوص خود قرار می گیرند. در روز موعود با بالا آمدن آفتاب و به نوا در آمدن سرنا و دهل در میدان چمرگاه بستگان و اقوام صاحب عزا دور هم جمع شده و در دو صف جداگانه زن و مرد ولی مرتبط به هم بر روی خطی دایره وار در چمرگاه صف می بندند نخست مردان صف بسته و علمها و کتلها را در قسمت های مختلف صف جای می دهند سپس زنان در انتهای صف مردان صف

بسته و پارچه ای سیاه راجلوی خود می گیرند و سپس (به ایشها) و (رو کرها) در چند دسته چهار تا شش نفری و معمولاً در دسته های مختلف به همراه نوازندگان موسیقی که آلاتشان دهل و سرنا است به سرودن شعرهای فی البداهه در رثای متوفی پرداخته که نوایشان با آهنگی خاص و بسیار غم انگیز خوانده می شود همسرایان ضمن سرودن همزمان شعرشان به همراه نوازندگان دهل و سرنا و به آرامی حول میدانی دایره شکل که صفوف فشرده مردان و زنان میهمان آن را احاطه کردند به حرکت در می آیند در وسط میدان با تیرهای چوبی کوتاه سکویی ایجاد می کنند که به (کتل) معروف است که البسه و تفنگ و قطار و عکس متوفی را بر روی آن نصب می کنند اسب متوفی را نیز با پارچه تزئین و تفنگ صاحبش بر روی زین آن قرار می دهند. سپس زنان جدای از مردان و در گوشه ای از میدان صفوف فشرده ای را تشکیل می دهند و عده ای از زنان که به (مور آرها) معروف هستند و صدای رسا و دل انگیز دارند به دور کتل حلقه زده و به صورت جمعی یا انفرادی اشعاری غم انگیز در رثای متوفی می سرایند در نزدیکی ظهر از میهمانان جهت صرف نهار در سیاه چادرهای که قبلاً در یک یا دو ردیف برپا شده اند دعوت به عمل می آورند غذای چمر معمولاً چلو گوشت است که در سینی های بزرگ و برای هر سه یا چهار نفر یک سینی گذاشته می شود پیش از غروب آفتاب مردان و زنان گرد علم و کتلها جمع می شوند و پس از شیون بسیار پیرمردان قوم کتل خاص مرده را باز می کنند و مراسم پایان می یابد اگر مراسم چمر چند روز ادامه یابد هر غروب میهمانان به خانه خود باز می گردند اما در آخرین روز به میهمانان شام می دهند که به این شام (شاو شیم) یا (شاو شین) می گویند در مجموع، مراسم چمر در استان ایلام دارای مفاهیم ارزشی و اعتقادی فراوانی نظیر: برابری، تعاون، اتحاد، نظم و تعادل و توازن است حرکت صفوف مردان و زنان در کنار هم نشانه مساوات و برابری زنان و مردان در عرصه زندگی است مراسم چمر مجموعه ای از ارزشهای انسانی و اسلامی است که در قالب حرکاتی عینی و ملموس به تصویر کشیده می شود تا از این طریق از حقوق عرفی و شخصیت معنوی عزیزان از دست رفته و انسانهای مصلح و خدای جوی تجلیل شود با این امید که انشاءاله آثار این مراسم با شکوه سنتی و اعتقادی منشاء خیر و برکت برای انسانها در عرصه فعالیت زندگی و مبارزات اجتماعی گردد.

آفتاب بالا آمده و نور زرد رنگی بر محوطه چمرگاه تابیده است. نوای سرنا و دهل همه جا را تحت تملک خود در آورده. این نوای غم انگیز خبر از درگذشت شخصی سرشناس یا بزرگ یک ایل را می دهد و آهنگ چمر در سوگ و عزای این شخص نواخته می شود.

این نوای غم انگیز تنها بیان کننده اوج اندوه نیست، بلکه با اجرای این مقام از موسیقی عزا همه خواهند فهمید که بزرگی از میان ایل و یا طایفه ای مرده است. همه با شنیدن صدای آهنگ چمر دست از کار کشیده و به محل سوگواری می شتابند.

از دور گروه هایی منظم که لباس تیره و سنتی بر تن دارند به چشم می خورند در این دسته عظیم که از طوایف و تیره های دور و نزدیک به منظور همدردی با خانواده عزادار به این مراسم آمده اند؛ بیشتر ریش سفیدان و مردان و زنان میانسال در آن جمع حضور دارند که هر گروه با حمل کردن بار مواد غذایی همچون برنج، گوسفند، روغن، قند و حتی در مواردی هیزم آمده اند تا باری از دوش صاحب عزا بردارند و این هزینه تنها به خانواده متوفی تحمیل نشود، این عمل به نوعی تجلی کننده روح تعاون و همکاری در میان قبایل است.

صدای (هی داد هی بیداد) به گوش می رسد، این صدای مردان بزرگ قوم خانواده عزادار بود که با لباس محلی و تیره برتن در حالی که روی پیشانی و شانه های خود را گل گرفته و نوارهایی پهن از سیاه چادر را به شیوه حمایل برتن دارند به استقبال مدعوین می روند و با تکرار جمله هی داد هی بیداد به همدیگر تسلیت می گویند.

مدعوین برای اینکه به مراتب همدردی خود تجسمی عینی ببخشند از گلی که در تشت یا تغاری آماده شده به شانه ها و پیشانی خود می مالند.

استقبال کنندگان مدعوین را به درون سیاه چادرهایی که از قبل آماده شده جهت استراحت و صرف چای و نهار هدایت می کنند و پس از پذیرایی از آنان بر حسب رعایت سن و مقام با اجازه خانواده متوفی توسط شخصی که یک سینی با یک کارد به همراه دارد به نشانه احترام و پاسخ به عمل ابراز همدردی مدعوین، به پاک کردن گل های شانه ها و پیشانی آنها می پردازند.

زنان به شیوه دیگری استقبال می کنند: این بار صدای "وی وی وای وای" به گوش می رسد. این صدا آنچنان ریز وتند و سریع تکرار می شود که آهنگ غم انگیزی در فضا طنین انداز شده است. این نوای حزن آلود بستگان درجه یک خانواده عزادار است که باسربندهای تیره، لباس های مشکی، صورت خراشیده و پیشانی و شانه های گل گرفته شده به نحوی که چادر و عبای مشکی آنها بر روی شانه ها افتاده به استقبال زنان مدعو می روند. با حرکت های موزون هر دو دست که روی صورت، به صورت مماس فرود می آید و عبارت "وی وی وای وای" که به طور ریز و تند و سریع تکرار می کنند. سپس زنان مدعو را به جایگاه و یا محل استقرار گروه زنان (مویه خوان یا مور آر) مشایعت و همراهی می کنند.

برای برگزاری مراسم احتیاج به انجام یک سری کارهای مقدماتی است که مهمترین آن ها عبارتند از 1. تدارک برگزاری مراسم چمر: پس از فوت فرد عشیره و طایفه اوبه فکرانجام چمر می افتند که بعد از تصمیم گیری به جمع آوری ملزومات آن می پردازند که به آن اصطلاحا خرج چمر می گویند. 2. جایگاه برگزاری مراسم: انتخاب جایگاه و محل برگزاری مراسم و تعیین آن به اعتبار و نقش عمده ی آن در ایجاد جاذبه و عرفی هرچه باشکوه تر صحنه ی مراسم ارتباط دارد به نحوی که پس از خاتمه ی مراسم با بجای گذاردن علائم تصویری تا سالیان دراز این علائم ضامن و تداعی کننده خاطرات فرد توفی است. 3. نحوه ی حضور در مراسم چمر: مدعوین به مراسم در گروه های منظم با لباس های تیره و سنتی که غالبا از ریش سفیدان و مردان و زنان میانسال طوایف و تیره های دور و نزدیک می باشند به محل می آیند و غالبا همراه خود کمک هایی شامل گوسفند، روغن، برنج و پول می باشند که در فهرستی که توسط طایفه صاحب مراسم گرفته می شود این کمک ها ثبت می شود تا در فرصت های متقابلا جبران نمایند. با انجام چنین رفتاری هزینه برگزاری مراسم که از یک روح تعاون نشات میگیرد تنها به خانواده ی توفی تحمیل نخواهد شد. معمولا مراسم استقبال از مدعوین به دو صورت انجام می گیرد. (1) استقبال از گروه مردان: این گروه که عمدتا از بزرگان و سران خانوادگی داغدار می باشند با لباس تیره و محلی در حالی که بر روی پیشانی و شانه های خود را گل گرفته اند و نوار های پهن از ساه چادر را به شیوه ی حمایل برتن دارند در مقابل افراد و بزرگان تازه وارد مدعو قرار گرفته، تازه واردان با تکرار کلمه ی ((بو،بو)) ناراحتی خود را از فوت فرد نشان می دهند و متقابلا خانواده ی داغدار با تکرار کلمه ((هی داد،هی بیداد)) و ((بو،بو)) به یکدیگر

تسلیم می گویند و وارد شده گان نیز از یک ظرف گل که در یک تشت آماده گردیده به شانه ها و پیشانی خود می مالند تا مراتب همدردی خود را تجسمی عینی بخشند. سپس مدعوین به داخل سیاه چادر ها هدایت می شوند و پس از پذیرایی و صرف نهار، برحسب رعایت سن و مقام با اجازه از خانواده ی متوفی توسط شخصی که یک کارد همراه دارد به نشانه ی احترام و پاسخ به همدردی مدعوین به پاک نمودن گل های شانه ها و پیشانی آنها ی پردازند. پس از گذشت چهل روز از فوت فرد و یا بعضاً یکسال خانوادگی داغدار به خانواده هایی که برای همدردی با آنان لباس سیاه پوشیده رفته و با تشکر از آنان در ابراز همدردی از آنان می خواهند که لباس های سیاه خود را درآورند و خانواده های داغدار همراه خود لباس نویی را که به نشانه ی تشکر و قدردانی آورده اند می دهند. و خانواده ی داغدار برای تشکر و قدردانی از همدردی آنان به همه ی خانواده های دور نزدیک سر میزنند

استقبال از گروه زنان: این گروه که از بستگان درجه یک خانواده عزادار هستند با سربند های تیره و لباس و چادر تیره که به صورتی خاص بسته شده اند و صورت های خراشیده و شانه های گل گرفته شده به استقبال زنان رفته و هر دو گروه مهمانان و زنان خانواده ی عزادار با ضربه هر دو دست بر روی صورت که گاه با خراشیدگی صورت همراه است و با گفتن عبارت ((وی وی)) که به صورت تند و سریع تکرار می شود به ابراز همدردی می پردازند. سپس مدعوین به داخل سیاه چادر هدایت می شوند. در داخل سیاه چادر ها زنان به صورت دسته جمعی نواهایی را می خوانند که به آن مویه می گویند

چمرگاه

زنان، مردان، زنان مویه خوان، نوازندگان ساز و دهل و گروه شاعران محلی (بهتر گوها یا کرها) هر کدام در قالب یک گروه و به طور منظم در جایگاه مخصوص خود قرار می گیرند. صدای سرنا و دهل در میدان چمرگاه می پیچد. بستگان و اقوام صاحب عزا دور هم جمع شده اند و در دو صف جداگانه زن و مرد ولی مرتبط به هم بر روی خطی دایره وار در چمرگاه صف بسته اند. نخست مردان صف بسته و علم ها و کتل ها را در قسمت های مختلف صف جای داده اند. سپس زنان پارچه ای سیاه را جلوی خود گرفته و در انتهای صف مردان صف می بندند.

(به ایشها) و (رو کرها) در چند دسته چهار تا شش نفری و معمولاً در دسته های مختلف به همراه نوازندگان موسیقی که آلتشان دهل و سرنا است به سرودن شعرهای فی البداهه با آهنگی خاص و بسیار غم انگیز در رثای متوفی می پردازند، همسرایان ضمن سرودن همزمان شعرشان به همراه نوازندگان دهل و سرنا و به آرامی حول میدانی دایره شکل که صفوف فشرده مردان و زنان میهمان آن را احاطه کردند به حرکت در می آیند.

در وسط میدان چمرگاه با تیرهای چوبی کوتاه سکویی معروف به کتل ساخته شده بود که لباس ها، تفنگ و عکس متوفی را به همراه گل بر روی آن نصب می کنند و همچنین اسب متوفی را نیز با پارچه تزئین و به کتل می بندند.

سپس زنان جدای از مردان و در گوشه ای از میدان صفوف فشرده ای را تشکیل می دهند و عده ای از زنان که به (مور آرها) معروف هستند و صدای رسا و دل انگیز دارند به دور کتل حلقه زده و به صورت جمعی یا انفرادی اشعاری غم انگیز در رثای متوفی می سرایند.

در نزدیکی ظهر از میهمانان جهت صرف نهار در سیاه چادرهایی که قبلاً در یک یا دو ردیف برپا شده دعوت به عمل می آورند، غذای چمر معمولاً چلو گوشت است که در سینی های بزرگ و برای هر سه یا چهار نفر یک سینی گذاشته می شود. پیش از غروب آفتاب مردان و زنان گرد علم و کتل ها جمع می شوند و پس از شیون بسیار پیرمردان قوم کتل خاص مرده را باز می کنند و مراسم پایان می یابد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

آیین «چَمَر» بی شک یکی از باستانی ترین آیین های برجای مانده در سرزمین ایران و به احتمال بسیار زیاد برآمده از تمدن باستانی «عیلام» است که تاکنون مورخان، اسطوره شناسان، آیین پژوهان و... نتوانسته اند درباره آن به یک نظر جمعی و علمی قابل قبول و مشترکی دست پیدا کنند و هنوز معنای این واژه باستانی بر همگان پوشیده مانده است.

مراسم چمر باید در محیطی باز برگزار شود تا شرایطی برای پذیرایی از میهمانان، چادر زدن و پخت و پز فراهم باشد. بنابراین این مراسم در مناطق روستایی استان که دارای محیط های وسیعی هستند، برگزار می شود.

در چمرگاه که محوطه اجرای آیین سوگواری چمر است، در پاره ای از مواقع و به لحاظ شرایط خاص محل و موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد متوفی، سکویی مخروطی شکل از سنگ (خشکه چین یا توام با ملات) ساخته می شود و معمولاً یک کتیبه سنگی که بر روی آن تاریخ فوت و عنوان چمر حک شده است را در داخل آن سکو قرار می دهند تا یادگاری از فرد فوت شده به جا ماند. و از آن به عنوان نماد چمرگاه یاد می شود.

سازمان میراث فرهنگی ایلام در جستجوی شناسایی چمرگاه های پابرجا باشد که در این راستا چندی پیش "چمرگاه" که اولین نماد ملموس آیین سوگواری چمر در استان ایلام است، در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. در استان ایلام به لحاظ شرایط خاص آن و از جمله وقوع جنگ تحمیلی و تسطیح اراضی برای کشاورزی توسط مردم، تا کنون توانسته ایم تعداد معدودی از چمرگاه های استان که پابرجا هستند را شناسایی کنیم. نماد چمرگاه " هجدان" دشت صالح آباد، نمونه سالم و کاملی از چمرگاه های استان است که با ثبت در فهرست آثار ملی علاوه بر حفاظت آن در برابر عوامل مخرب زمینه ثبت نمونه های مشابه به آن در سراسر استان فراهم می شود.

تعدادی از این چمرگاه ها در مناطق ایل نشین همچون ایل ملکشاهی، خزل و اکواری به جا مانده و مابقی این چمرگاه ها هنوز شناسایی نشده است.

در مراسم چمر کارکردهای اجتماعی خاصی مشاهده می شود که از جمله آن می توان همبستگی اجتماعی در قالب نمادهای سنتی، ابراز همدردی در شکل تاثرات جمعی، اشعار حماسی و وصف حماسه های گذشتگان در قالب کلماتی که در دسته جات چمر به کار می برند، مدح فضائل و خوبی هایی که توسط انسان ها صورت می گیرد در قالب توصیف متوفی با الفاظی که به (رو رو) و افرادی را که این اشعار را می خوانند به (رو رو کر) مشهورند، را نام برد.

این مراسم طی سال های اخیر برای مراسم ارتحال امام خمینی در استان ایلام برگزار می شود.

منابع

- سیف زاده، سید محمد، (1377) پیشینه تاریخی موسیقی لرستان. انتشارات افلاک
- خوشراش، علی «چمر» آیین باستانی برآمده از تمدن عیلام روزنامه شرق /سه شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۰
- آموزگار ، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت، 1381
- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگه، 1381
- رسولزاده، میکائیل. رویه های پنهان گردشگری. منتشر نشده
- راولینسون، سرهنری، سفرنامه راولینسون، ترجمه سکندر امان الهی بهاروند، تهران، آگاه، 1362
- رستگارفرد، احد، خدایان کاسیت، نشریه ی لور، 1384
- روزنبرگ دونا، اساطیر جهان، ترجمه عبدالحسین شریفیان، جلد 1، تهران، اساطیر، 1379
- سهرابی محمد، لرستان و قوم کاسیت، خرم آباد، افلاک، 1376
- صفی زاده بورکه ئی، صدیق، دانشنامه نام آوران یارسان، تهران، اساطیر، 1376
- ورمازرن، مارتین، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، چشمه، 1386
- ویژه نامه دانشجویی دیار کاسیت، 1383